

Quranic Manifestations of Participatory Criminal Policy in the Control of Registration Crimes

ARTICLE INFO

Article Type
Analytical Review

Authors

Shirzad Amiri¹,
Seyyed Hossein Hashemi^{2*},

How to cite this article

Shirzad Amir, Seyyed Hossein Hashemi, Quranic Manifestations of Participatory Criminal Policy in the Control of Registration Crimes, Journal of Islamic Life Style Centered on Health. 2018;2(2):162-169.

ABSTRACT

Purpose: Present study was carried out in order to examine how religious beds influence the participatory criminal policy in controlling registry-based crimes by focusing on health.

Materials and Methods: Present research was done in the form of a descriptive-analytical one on the basis of library studies and searching valid domestic-international scientific databases.

Findings: Based on the research results, given that lack of self-control and communication by registry users is the most important challenge faced by the participatory criminal policy of controlling registry-based crimes, Quranic sights can be effective by placing emphasis on such concepts as institutionalization of social responsibilities of human beings, governance of affection culture, brotherhood and tolerance as canonical essentials.

Conclusions: In order to have a health-centered society, it is necessary to think of schemes and guidelines to be formulated with the help of Quranic concepts which need to be institutionalized to prevent commitment of registry-based crimes.

1. PhD in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Islamabad West Branch, Islamic Azad University, Islamabad West, Iran
2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mofid University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author)

Keywords: Registry-based crimes, Participatory criminal policy, Citizenship rights

* Correspondence:
Address:
Phone:
Email: shhashemi@mofidu.ac.ir

Article History
Received: 2018/03/16
Accepted: 2018/05/23
ePublished: 2018/06/21

جلوه های قرآنی سیاست جنایی مشارکتی در کنترل

جرائم ثبتی

شیرزاد امیری^۱

دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق جزا و جرم
شناسی، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد
غرب، ایران

سید حسین هاشمی^{*}
دانشیار، گروه حقوق ج
ان از (نه سند مسئول)

چکیده

هدف: این مطالعه با هدف بررسی چگونگی تاثیر بستر های دینی در سیاست جنایی مشارکتی در کنترل جرائم ثبتی انجام یافته است. **مواد و روش ها:** پژوهش حاضر بر پایه مطالعات کتابخانه ای و جستجو در پایگاه های علمی معتبر داخلی و خارجی به صورت تحلیل و توصیفی انجام گرفته است.

یافته ها: نتایج تحقیق نشان داد با توجه به آنکه مهمترین چالش فرآ روی سیاست جنایی مشارکتی در کنترل جرایم ثبتی، عدم خود کنترلی و اطلاع رسانی کاربران ثبتی می باشد، جلوه های قرآنی میتواند با تأکید بر مفاهیمی چون، نهادینه کردن مستولیت اجتماعی انسان، حاکمیت فرهنگ محبت، برادری و عیب پوششی در مقام تکالیف شرعی تاثیرگذار باشد.

نتیجه گیری: لازم است تدابیر و راهکارهای اندیشیده شود تا با استعانت از مفاهیم قرآنی و نهادینه نمودن این مفاهیم سعی در پیشگیری از جرایم ثبتی به منظور دادر شدن جامعه باشیم.

واژه های کلیدی: جرایم ثبتی، سیاست جنایی مشارکتی ، حقوق شهر و ندی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

*نوبیسندہ مسئول: shhashemi@mofidu.ac.ir

مقدمه

مجرم ثبیتی، فعل یا ترک فعلی است که در قوانین و مقررات موضوعه کشور راجع به ثبت اسناد و املاک و سند و غیره به عنوان جرم محسوب و برای آن مجازات تعیین شده است. در حقوق کیفری اختصاصی ایران، جرائم ثبیتی با جرائم علیه اموال و مالکیت و جرائم علیه آسایش عمومی تقاضا و تجسس دارند. این کیفرهای ثبیتی زیرمجموعه مجازاتهای بازدارنده می‌باشند. این کیفرها عبارتند از حبس، جزای نقدی، تعطیلی محل کسب و لغو پروانه، انفال و محرومیت از تصدی به شغل سردفتری یا دفترباری. ویژگی مهم قوانین ثبیتی و حقوق ثبت استحکام بخشی به مالکیت، درامدزایی، تولید امنیت قضایی و اقتصادی، خاصیت لازم الاجرايی و آمریت و تردید و انکارناپذیری آنها است.

از دیگر سو سیاست جنایی مشارکتی ۱ جدیدترین و مهم ترین گرایش سیاست جنایی محسوب می‌گردد که در دوره معاصر در غرب، بنا به علل و عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و جرم شناختی، بوزیر بحران ناکارآمدی و ناتوانی نظام عدالت کفیری در استفاده صرف از ابزارهای سنتی حقوق کفیری جهت مقابله با پذیره مجرمانه بروز پیدا کرد و بنابراین از عمر آن بیش از چند دهه نمی‌گذرد. (۱) هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه‌ی پیشگیری و پاسخ دهنده به مجازات و باز پذیرسازی اجتماعی بزه کاران است. با این همه به نظر می‌رسد که باید مشارکت را فقط به حضور فیزیکی افراد محدود نکرد و مراد از مشارکت احساس مسئولیت افراد در برابر یکدیگر و همچنین در برابر کل جامعه، است. برخلاف حقوق جزا که عموماً قواعد خشک و یک سویه دارد، سیاست جنایی دارای تنوع در واکنش‌ها بوده و بیشتر شامل تدبیر کنشی و پیشینی یعنی مقام بر ارتکاب جرم بوده و به طور کلی انعطاف پذیر است (۲).

اسلام، یک دین جامع نگر بوده و تمامی ابعاد فردی اعم از جسمی و روانی و همچنین اجتماعی و مصالح اخروی و اخلاقی را مدنظر دارد و از سوی شارع حقیقی، یعنی کسی که خود، انسان را خلق کرده و به تمامی ابعاد و جهات مختلف زندگی او آگاه است تشریع شده است. از این رو باید گفت هیچ سیاست جنایی متعارف از آن نیست، اما بر محققان اسلامی است تا با یک نگاه جامع نگر، ابعاد مختلف به ویژه بعد مشارکتی این سیاست جنایی را که مورد غفلت واقع شده است، از دل متون غنی اسلامی استخراج و استنباط کرده و برای احرا دستور: حاممه نهادنیه کنند.^(۳)

اسلام مبتنی بر فردگاری و تعهد عقلی نیست، انسان را مسئول می‌شناسد و همواره بر مسئولیت انسان‌ها در مقابل یکدیگر تاکید دارد. بر اساس این مسئولیت، یک عضو جامعه نمی‌تواند نسبت به دیگر اعضایی تفاوت باشند. اسلام اصل مسئولیت انسان را در کار اصل برائت، قاعده درء، اصل منوعیت تجسس در امور خصوصی، اصل قضایی بودن مداخله کیفری، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و امثال آن، دارای معنا و مفهوم می‌داند. تاکید سیاست جنایی اسلام بر این امر و مصاديق متعدد مشارکت عمومی در فرایند پیشگیری از بزه در تعالیم اسلامی نیز حکایت از آن دارد که دولت‌ها حقیقتاً امکان پیشبرد امر پیشگیری را بودن اتکا به مردم و نیاهای مردمی ندارند. خداوند در آیه وکو لا دَعَ اللَّهُ^۱ الناسَ بِعَضِهِمْ بِعَضٍ لَفِسْدَتِ الْأَرْضِ. (بقرهٔ ۲۵۱) نیز این موضوع را مذکور شده که اگر مشارکت عموم مردم در امر پیشگیری از جرم صورت نگیرد، هرگز نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد و جرم و فساد همه جا را خواهد گرفت.

همچنین در آیه دیگری با مضمونی مشابه آمده است وَ لَا دُفْعَةُ اللَّهِ
النَّاسُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لَهُدْمَتْ صَوَاعِقُ وَبَعْجُ وَصَلَواتُ وَ مَساجِدُ يَذَكُرُ

¹ - Participatory Criminal Policy

اقدارگرای فراگیر فاصله می‌گیرد. همزمان با توجه به تأکید دیدگاههای اسلامی بر مفاهیمی چون خیر عمومی، مصلحت همگانی، امر به معروف و نهی از منکر، اخلاق مسئولیت، توجه به جامعه و همبستگی اجتماعی، مدل مناسب با اندیشه‌های اسلامی تا اندازه‌ای به مدل‌های جامعوی نزدیک می‌شود؛ بدین‌سان مدل سیاست جنایی اسلام در میانه مدل جامعوی و ازادی گرفتار می‌گیرد.

سمیرا خزاوی (۱۳۹۵) در پایان نامه ای با عنوان «جلوه های عدالت ترمیمی و سیاست جنایی مشارکتی در قرآن کریم» مطرح می‌کند که عدالت ترمیمی مفهومی نوظهور در ادبیات جرم شناسی است که در ابتدا و پیش از هر چیز جرم را تعرض به حقوق افراد می‌داند. سیاست جنایی مشارکتی یعنی مشارکت مردم در پیشگیری از جرم و محاکمه و مجازات مجرمین به صورت مستقل یا توان با نهادها و مراکز دولتی است. تحت تاثیر یافته های جرم شناسی در زمینه عدالت ترمیمی قوانین ما با الهام از آموزه های آن سعی کرده است به اهداف عدالت ترمیمی نزدیک شود.

جلوه های قرآنی و سیاست جنایی مشارکتی

رویکرد مشارکتی در فرهنگ کهن ایرانیان، چه پیش از اسلام یعنی در روزگاران باستان و چه در تعالیم اسلامی، مورد توجه بوده است. دعوت به صلح و سازش و ... اصلاح ذات البین و ترجیح عفو بر قصاص، تامین اجتماعی از رهگذر مالیات های اسلامی، نظیر ذکات و فطحیه تاکید بر فرهنگ بزه پوشی و فعالیت بنیاد های نیکوکاری و انجمن... بی گمان شکل گیری مشارکت مردم در نظام عدالت، ریشه ها، بسترها و جلوه های دیرینه دارد. تاریخ تمدن های جوامع، مذهب، فلسفه، افکار رایج و معمول به شکل گیری آنچه که امروز و به زبان مدرن، آن را سیاست جنایی مشارکتی می خوانیم منجر شده است. به دیگر سخن مشارکت مردم در نظام دادگستری منصرف از جلوه های نخستین آن و بستر های تاریخی، فلسفی و مذهبی قابل تصور نیست و بدون شناخت این بسترها، مطالعه و بررسی موضوع پژوهش را بی مینا می نماییم. (۴)

در خصوص جایگاه و بستر دینی مشارکت مردم در حل و فصل دعواهی، اختلافات و تعارض های دو یا چند جانبه سخن فراوان است. کوتاه سخن آنکه باید بر این باور بود که همه های آیان آسمانی به گونه ای مختلف و بر حسب نیاز و شرایط زمانی و مکانی انسان ها را به حل و فصل اختلاف ها و صلح و سازش دعوت کرده اند.

در آیین یهود و کتاب مقدس عهد عتیق یا تورات مقررات و احکام حقوقی فراوانی وجود دارد که در بخش هایی از این احکام به شرکت جامعه و قبایل بنی اسرائیل در پیشگیری از وقوع جرم و یا در سرکوب بزه اشاره شده و مورد حکم قرار گرفته است. در این آیین عالی ترین مرجع قضایی دادگاهی متشکل از سه قاضی منصوب بود که اختیار داشت در مورد احکام غرامت و دعاوی مالی حکم صادر کند. پایین ترین مرجع قضایی دادگاهی مرکب از سه قاضی غیر منصوب بود که طرفین دعوا با تافق و رضایت هر سه آنها را انتخاب می کردند و گاهی هریک از طرفین قاضی را انتخاب می کرد و سپس این دو قاضی ضمۇ سوم دادگاه را بر می گزیدند. این دادگاه ها که متشکل از قضات غیر منصوب بودند بیشتر شیوه به هیات های داوری عمل می کردند و بیش از هر چیز از طرفین می خواستند که با پذیرش سازش پیشنهادی توافق کنند. (۵) همچنین در آیین یهود و در حقوق کیفری ماهوی نیز به شیوه های مختلفی مردم در پیشگیری و سزادهی به مشارکت فراخوانده شده اند. در رسیدگی ها گفته می شود که حرام است قاضی سخنان یکی از طرفین را بدون حضور دیگری بشنو. در دعواهی مستوجب اعدام نیز که رسیدگی به آن در صلاحیت یک دادگاه با ترکیب ۲۳ قاضی است نباید با اکثربت یک نفری یعنی ۱۲ نفر در مقابل ۱۱

فیها اسم الله کشیرا. واگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه ها و معابد بیود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برد می شود، ویران می شود. (حج ۴۰).

به کرات در قرآن کریم به اهمیت مشارکت اشاره شده است. به عنوان مثال، در سوره شورا آمده است: **وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى يَسِّئِمُ وَمِنَ رَّزْقَنَاهُمْ يَنْقُضُونَ آنَّا نَهَا دُعَوْتُ پُرُورَدَگارشان را اجابت کردند و نماز را پا داشتند و امورشان را به مشورت گذشتند و از آنچه روزیشان کردیم اتفاق می کنند. آنچنانکه امام علی (ع) در مورد ضرورت مشارکت می فرمایند **إِذَا عَمِلَتِ النَّاسُ خَاصَّةً بِالْمُنْكَرِ جَهَارًا، فَلَمْ تَغُرِّ عَلَيْهِ الْعَامَّةُ** بذلك استوجب الفرقان **الْعَقُوبَةُ مِنَ اللَّهِ**. هرگاه خواص به کارهای ناشایست دست زدند و گروه مردم بر ایشان نشوریدند، هر دو دسته مستوجب کیفر الهی خواهند بود. بدیهی است هر چه آگاهی ناظرین و شرکت کنندگان در عرصه‌ی عمومی بیشتر باشد، نظارت آنان دقیق تر و کار آمدتر در نتیجه جامعه سالم تر خواهد بود.**

پیشینه پژوهش

مریم نقדי دورباطلی (۱۳۹۷) در مقاله ای «تحت عنوان مدل های سیاست جنایی با تأکید بر مدل سیاست جنایی اسلام»، این سؤال را مطرح می کند که مدل سیاست جنایی چند نوع است و مدل مطلوب کدام است در پاسخ سه مدل سیاست را مطرح می نماید که دولتی، جامعوی و مختلط، که هر کدام دارای گونه های هستند. کشف چگونگی یک مدل سیاست جنایی، در صورتی امکان پذیر است که مفاهیم مرتبط، اصول و ایده‌ولوژی حاکم بر آن، بررسی و شناخته شود. و در نتیجه گیری این موضوع مطرح است که اگر سیاست جنایی اسلام، به صورت یک مجموعه منسجم و بهم پیوسته، مورد توجه قرار گیرد؛ در این صورت می توان یک مدل سیاست جنایی مشارکتی، دارای اهداف عالیه که مبنی بر عدالت و ترقی و تکامل جامعه بشری است، تعریف کرد. بنابراین با توجه به مبانی و آموزه های سیاست کیفری اسلام مانند توجه به عدالت، و شرافت انسانی و ضرورت حرکت در مسیر رشد و تعالی، سیاست جنایی اسلام یک مدل مطلوب و به صورت مشارکتی است.

علیرضا جمشیدی (۱۳۸۸) در مقاله ای تحت عنوان گفتمان پیشگیرانه سیاست جنایی مشارکتی در لواح قضایی، نقش تدابیر می کوشد که ضمن باز تعریف سیاست جنایی، این از نظر تا عمل به ویژه چگونگی رهیابی این مفاهیم از دکترین و آموزه های دانشگاهی به لواح قضایی تقدیمی به مجلس، که در کمیسیون ها مراحل تصویب آن را سپری می کند مورد بررسی و کنکاش قرار دهد که این تدابیر پیشگیرانه با تصویب نهایی قانون گذار جنبه عینی به خود خواهد گرفت.

رحمی نوبهار (۱۳۹۲) در مقاله با عنوان «مدل شناسی سیاست جنایی اسلام»، با تجزیه و تحلیل دیدگاههای اصلی مدل اقدارگرای فراگیر، استدلال می کند که می توان قرائتی اقدارگرایانه از اسلام داشت؛ اما با توجه به تأکید اسلام بر عنصر فرد و هویت مستقل او در برابر جامعه و دولت، لزوم طراحی سازو کارهای قضایی لازم آن گونه که مقننی یک محاکمه دقیق، عادلانه و به دور از اشتباهات قضایی باشد، پذیرش تفکیک قلمرو جرم به معنای حقوقی آن از انحراف و گناه، تأکید بر رعایت اصل قانون مندی و لوازم آن، پذیرش جامعه مدنی و حوزه عمومی جدا از دولت به مثابه کانون های توسعه و ترویج خبر عمومی، مدل سیاست جنایی اسلام به شدت از مدل اقدارگرا و به ویژه

^۱ سوره شوره ۳۸

نقل می کند: اصلاح ذات البین برترین عبادت است: اصلاح ذات البین افضل من عامه اصلاحه و الصيام. اصلاح ذات البین افضل از صدقه دادن زر و مال است. سوگند یاد کردن برای عدم دخالت در اصلاح ذات البین مانع از دخالت برای اصلاح نیست: و لا تجعلوا الله عرضه لا یمانکن آن تبروا و تنتقا و تصلحوا بین الناس. دروغ گفتن در مقام اصلاح ذات البین جایز است: إن المصلح ليس بکاذب. صادق (ع) اجازه داده بودند که تنازع میان شیعیان با پرداخت از مال آن حضرت اصلاح گردد. این ایات و روایات نشان دهنده میزان اولویت و اهمیت است که در اسلام به رفع خصومت و حل اختلاف مردم خارج از دایرهٔ قانون و قضایا داده شده است. بر این اساس، همواره راه غیر قضایی ایجاد صلح و سازش میان طرفین اختلافی که واحد جنبهٔ کیفری است. ولی در عین حال دارای حبیث غالب خصوصی قابل گذشت با مداخلهٔ وساطت افراد جامعه و گروه‌های اجتماعی در نظام سیاست جنایی اسلام باز است. (۷)

۴- مسائل حقوقی و نحوه تنظیم اسناد تجاری در آیه ۲۸۲ سوره بقره

بزرگترین آیه قرآن، آیه ۲۸۲ سوره بقره است که دربارهٔ مسائل حقوقی و نحوهٔ تنظیم اسناد تجاری می‌باشد؛ این آیه نشانهٔ دقت نظر و جامعیت اسلام است که در دورهٔ جاهلیت و در میان مردمی عقب افتاده، دقیق ترین مسائل حقوقی را طرح کرده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَيْنَا إِذَا تَدَبَّرْتُمْ بِذِكْرِنَا إِلَى أَجْلٍ مُسْمَى فَأَكْتُبُهُ وَ لْيُكْتَبْ بِنَّتَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَ لَا يُكْتَبْ كَاتِبٌ أَنْ يُكْتَبْ كَمَا عَلِمَ اللَّهُ فَلْيُكْتَبْ وَ لِيُمْلِلُ الَّذِي عَلِمَهُ الْحُقْقُ وَ لِيُتَّقِّنَ اللَّهُ رَبُّهُ وَ لَا يَبْخُسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلِمَهُ الْحُقْقُ سَقِيَهَا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يُسْتَطِعُ أَنْ يُمْلِلُ هُوَ فَلِيُمْلِلُ وَلِيُهُ بِالْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُهُ شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَاتٌ أَنْ مَمِّنْ تَرْضُونَ مِنَ الشَّهَادَةِ أَنْ تُضَلِّلَ إِحْدَاهُمَا فَنَذِكِرُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَ لَا يَأْبَ الشَّهَادَةِ إِذَا مَا دُعِوا وَ لَا تَسْتَفِعُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَحْلَهُ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَقْوَمُ لِلْشَّهَادَةِ وَ أَبْيُ أَلَا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونُ تِجَارَةً حَاضِرَةً تَدِيرُونَهَا بِنَتَكُمْ فَإِنْسُ عَلِيَّكُمْ جُنَاحُ الْأَنْتِكُبُوْهَا وَ اشْهُدُوْا إِذَا تَبَاعِتُمْ وَ لَا تُضَارُ كَاتِبٌ وَ لَا شَهِيدٌ وَ إِنْ تَقْعُلُوا فَإِنَّهُ سُوقٌ بِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمُكُمُ اللَّهُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُكُمْ (ای کسانی که ایمان اورده اید! هنگامی که بدھی مدت داری (بر اثر وام یا معامله) به یکدیگر پیدا می کنید، اثرا بنویسید و باید نویسندگی در میان شما به عدالت (سند را) بنویسید. کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشن خودداری کند، همانطور که خدا به او تعلیم داده است. پس باید او بنویسد و آن کس که حق بر ذمہ او (بدھکار) است املا کند و از خدایی که پرور گار اوست پیرهیزد و چیزی از آن فروکش ننماید. و اگر کسی که حق بر ذمہ اوست، سفیه یا (از نظر عقل) ضعیف و یا (به جهت لال بودن) توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (بجای او) با رعایت عدالت (مدت و مقدار بدھی را) املا کند و دو نفر از گواهان، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند (انتخاب کنید) تا اگر یکی از آنان فراموش کرد، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای ادای شهادت) دعوت می کنند خودداری نمایند. و از نوشن (بدھی های) کوچک یا بزرگ مدت دار، ملول نشود (هر چه باشد بنویسید)، این در نزد خدا به عدالت نزدیکتر و برای ادای شهادت استوارتر و برای جلوگیری از شک و تردید بهتر می باشد، مگر اینکه تجارت و داد و ستد نقدی باشد که در میان خود دست به دست می کنید که ایرادی بر شما نیست که آنرا نویسید. و هنگامی که خرید و فروش (نقی) می کنید، (باز هم) شاهد بگیرید و نباید به نویسنده و شاهد (به خاطر حقکوبی) زیانی برسد (و تحت فشار قرار گیرد) و اگر چنین کنید از فرمان خداوند خارج شده اید و از خدا پیرهیزید و خداوند (راه درست

نفر تصمیم اتخاذ شود که این نشان از دعوت به مشارکت حداکثری داوران در اتخاذ به تصمیم دارد. (۶) افزون بر آن در حجره سنگ تراشیده دادگاه های عالی ۷۱ نفره وجود داشت که هم وظیفهٔ هیأت منصفه و هم وظیفهٔ قضات را انجام می داد. در آین مسیح نیز یکسره سخن از صلح و نوع دوستی است چندان که نمونه هایی برای دعوت مردم به مشارکت و شرکت در حل اختلاف ها فراوان است. برای نمونه در حمایت از این امر که خود بیانگر دستوری در باب پیشگیری مشارکتی است در انجیل آیه های ۱۵ تا ۱۸ آمده است. چنانچه برادرت رو به گناه نهاد او را بیاب و در تنهایی نصیحت کن اگر نصیحت تو را گوش داد تو توانسته ای برادرت را رستگار کنی و اگر نصیحت تو را گوش ننهاد دو نفر دیگر را افزون بر خود گواه گیر زیرا در هر امری که منجر به تصمیم می شود به ۲ تا ۳ گواه نیاز داری تا چنانچه نصیحت تو را رد کرد رفتار وی را برای جامعه باز گو کنی و اگر باز هم نصیحت را نادیده گرفت او هم برای تو و هم برای مردم چون یک کافر است. زیرا در یک جامعهٔ مسیحی باید بیشتر سعی شود بر پایهٔ افکار برادری و احسان بنا شود.

به باور برخی نویسندها کان یکی از مهم ترین مبناهای حمایت از زیاندیدگان و توسعهٔ عدالت ترمیمی اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی در مبانی ایدیولوژیک و فلسفی است. بدیهی است که این مبانی در نظام های حقوقی مبتنی بر مذهب چون نظام حقوقی ما صادق است، زیرا مفاهیمی چون، تعاون در امور خیر دعوت به سازش و آتشی و حمایت از زیاندیده مظلوم در اسلام از تکالیف شرعی و از موجات خشنودی خداوند شمرده شده است که رستگاری بندگان خدا نیز در گرو آن است. در قران کویم که بهترین و جامع ترین و همچنین آخرین کتاب آسمانی است می تواند موارد زیرا را نام برد:

۱- تعاون در امور خیر در قرآن کریم مسلمانان به همکاری و تعاون با یکدیگر در امور خیر فراخوانده شده اند و در امور شر نیز از تعاون و همکاری منع گشته اند که مصدق آن آیه شریفه «تعاونوا على البر و التقوى و لا تعاونوا على الاثم و العدوان» (سوره مائدہ، آیه ۲) که یکی از مصاديق تعاون در امور خیر همانا مشارکت و همکاری در رفع اختلافات ناشی از جرایم است.

۲- اصلاح ذات البین اصلاح ذات البین به معنای پای در میان نهادن اشخاص ثالث به منظور رفع اختلاف بین دو مسلمان و نزاع آنان را به صلح و سازش ختم کردن است که از دستورات اکید اسلام به مؤمنان بوده است و در قران کریم آمده است: صلح بهتر است و الصلح خیر. (سوره النساء، آیه ۱۲۸) همانا مؤمنان برادران خود سازش برقرار کنید، انما المؤمنون اخوه فاصلحوها بین اخویکم. (سوره الحجرات، آیه ۱۰) از خدا بترسید و میان خود اصلاح کنید؛ فاتقوا الله و اصلاحوا ذات بینکم. (سوره الانفال، آیه ۱)

۳- شفاعت در قرآن کریم تنها آیهٔ قرآنی که در معنای شفاعت دنیوی به کار رفته و می توان برای تجویز و حق شایسته بودن شفاعت مجرمان نزد حاکم بدان استناد نمود آیهٔ ذیل است: «هُرَ كُسْ شفاعت نیکوبی کرد او را از آن بهره است و هر کس شفاعت بد می کند نیز او از آن نصیبی است» من یشفع شفاعة حسنی یکن له نصیب منها و من یشفع شفاعة سینه یکن له کفل منها و کان الله علی کل شی مقتیاً (سوره النساء، آیه ۸۵).

در روایات اسلامی نیز به این معنی توجه بسیار شده است. تا آنجا که شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه روایاتی بدين مضامین

مورد جمعیت، و کلمه «فسوچ» به معنای خارج شدن از اطاعت است و منظور از کلمه «واتقووا» این است که مسلمانان از خدا بترسند و اوامر و نواهی ذکر شده در این آیه را به کار بینند، و اما عبارت «و يعْلَمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيهِمْ» یعنی «خدا شما را تعیین می‌دهد، که او بر همه چیز دانا است» کلامی است نو، که در مقام شده است. بنابراین قرآن کتاب هدایت و دستور العمل زندگی بشر به سوی سعادت دنیا و آخرت است. قرآن کتابی است که برای همه عصرها و نسلها نازل شده و قابل استفاده برای عموم مردم است، باید به آن ایمان داشت و عمل کرد.

مفاهیم و مصادیق جرائم ثبتی در پرتو سیاست جنایی مشارکتی جرائم ثبتی جرایمی هستند که در صورت ارتکاب به موجب قانون جرم محسوب می‌گردد و مرتکب، کیفر خواهد دید. قانون ثبت احوال، قانون تخلفات جرایم، مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه ای برای انجام برخی از مواردی که در هر دو قانون جرم شناخته است برای آن مجازات پیش یین نموده است. (۸) تخلفات ثبتی، تخلفاتی هستند که علیه قوانین و مقررات و آئین نامه ها و نظمات اداری صورت می‌گیرند. در یک تقسیم بندی می‌توان جرایم ثبتی را به دو دسته تقسیم کرد:

الف: جرائم ثبتی عام
تعريف؛ جرائم ثبتی عام جرائمی هستند که قانون گذار آنها را در حکم جرایم دیگر قرار داده است که عبارت است از جرائم ثبتی در حکم کلاهبرداری، خیانت در امانت و جعل که اینگونه جرائم از لحاظ انسانی و مجازات تابع شرایط عمومی جرایم موصوف بوده که مقتن جهت جلوگیری از تورم قوانین در این مورد صرفاً آن را به مقررات کلی جرایم مذکور ارجاع داده است. (۸)

ب: جرائم ثبتی خاص
تعريف؛ جرائم ثبتی اسناد و املاک خاص؛ جرائمی هستند که در حقوق کیفری اختصاصی ایران عنوان منحصر به فرد و ویژه‌ای دارند و با وجود اشراک و تشابه با جرائم ثبتی در حکم جعل، خیانت در امانت و کلاهبرداری یا در قالب هیچ یک از صور جرائم اخیرالذکر که گفته شد نمی‌گنجد. به تعبیر دیگر این جرائم عنوان احکام و مجازات خاص خود را دارند. تعداد این جرائم در حقوق کیفری اختصاصی ایران محدود است. (۹) جرائم ثبتی خاص در موارد ۴۵ و ۱۱۷ قانون ثبت اسناد و املاک و ماده ۲۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و ماده ۶ لایحه قانون راجع به اشتباها ثبتی و اسناد مالکیت معارض مصوب ۱۳۲۳۲ امده است. جرایم خاص ثبتی شامل ماده ۱۱۷ و ۱۰۳ قانون ثبت می‌باشد. طبق ماده ۱۱۷ قانون ثبت: هر کس به موجب سند رسمی یا عادی نسبت به عین یا منفعت مالی اعم از متفقون یا غیر متفقون حقی به شخص یا اشخاص داده و بعد نسبت به همان عین یا منفعت به موجب سند رسمی معامله یا تعهدی معارض با حق مزبور بنماید به حس بآعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد. (۱۰) از سوی دیگر طبق ماده ۱۰۳ قانون ثبت: هر یک از مستخدمین و اجزاء ثبت اسناد و املاک عاماً تصدیقاتی دهد که مخالف واقع باشد در حکم جاعل اسناد رسمی خواهد بود. این جرایم عبارتند از:

- سیاست جنایی مشارکتی نسبت به معامله معارض هر گاه کسی به موجب سند رسمی یا عادی نسبت به عین یا منفعت مالی اعم از متفقون یا غیر متفقون، حقی به شخص یا اشخاص داده و بعد نسبت به همان عین یا منفعت به موجب سند رسمی معامله یا تعهدی معارض با حق انجام دهد، مجرم شناخته می‌شود. در حقوق کیفری اختصاصی ایران از جرم مندرج در ماده ۱۱۷ قانون ثبت به عنوان جرم معامله معارض یاد می‌شود، لیکن با نگرش به سیاست عبارات ماده مذکور می‌توان گفت که جرم

زندگی را) به شما تعليم می‌دهد و خداوند به هر چیزی دانست.) (سوره بقره، آیه ۲۸۲)

احکام آیه (۲۸۲) سوره مبارکه بقره با قید «بدین الى اجل مسمی» به جز معاملات نقدی، شامل هر معامله‌ای می‌شود که در آن تعهدی وجود داشته باشد مانند قرض مدت دار، نسیه، سلف، رهن، ضماین مالی، حواله، شرکت، مضاربه، وديعه، عاريه، اجاره و... کلمه «تدابن» که مصدر «تدابنتم» است به معنای قرض دادن و قرض گرفتن است. عبارت «بدین الى اجل مسمی» به جز معاملات نقدی، شامل هر معامله‌ای می‌شود که در آن تعهدی وجود داشته باشد. کلمه «فاكتبوه» ظاهر این خطاب که به معنای «خود بنویسید» می‌باشد، مربوط به اشخاصی است که متعهد می‌شوند (مدیون). فعل امر «یکتب» نشان می‌دهد که نویسنده‌ای باید به امر نوشنش سند باید عادل و عالم باشد مانند یک قاضی، زیرا نوشتن اسناد برای پیشگیری از اختلافات است و نوعی قضاویت به شمار می‌رود. دو عبارت «کاتب بالعدل» و «کما عالمه الله» بر این امر دلالت دارند که نویسنده سند همراه با عدالت و علمش نبایستی از آنچه خدایش به او آموخته دریغ و روزد و از امر نوشتن و ثبت معاملات و اسناد امتناع نماید با توجه به این نکته می‌توان اظهار داشت که موضوعات فوق تأکید بر این دارد که انجام این گونه نیازهای عمومی بر هر که تخصص و بینشی دارد واجب کفایی است و نباید از آن سر باز زند. کلمه «املاک» و کلمه «اما»، هر دو به معنای این است که شما بگوئید و دیگری بنویسد و کلمه «بخس» به معنای کم گذاشتن و حیف و میل کردن مال مردم است. فعل «ولیملل» بر این نکته تأکید می‌کند که کاتب نباید از خود چیزی بنویسد بلکه مدیون باید کلمه به کلمه دیگر کند و کاتب آن را ثبت نماید چون هر کلمه و تعییری، سند و حجتی خواهد بود.

از آنچه ذکر شد دانسته می‌شود که در قوانین و مقررات ثبتی کنونی نیز هیچ سردفتر و یا مسؤول دفتری نماید معاملات اشخاصی را که مجنون یا غیر رشید یا به نحو دیگری از انجاء قانونی منوع از تصرف هستند ثبت نماید مگر این که معامله به وسیله قائم مقام قانونی آنان یعنی ولی یا قیم یا مدیر تصفیه امور آنان واقع شود و این مطلب در ماده (۵۷) قانون ثبت تصریح شده است. کلمه «سامه» که مصدر «تساموا» است به معنای خسته شدن است و فعل نبی «لاتسنهوا» تأکید و تعیین بر امرهای ثبت و نوشتن است: «نباید برای نوشتن و ثبت کردن دیون و تعهدات خود احساس خستگی کنید چه اندک باشد یا بیش، ریز باشد یا درشت.» چه بسا مسائل ریز و یا کوچکی در معامله یا شرایط آن که به حیث نمی‌آید و مورد توجه واقع نمی‌شود و شخص نوشتن آن را خستگی اور و اتلاف وقت می‌پندرد، می‌تواند به عنوان منشاء اختلاف و کشمکشها و صرف مالها و زمانها و افزایش محکم و اتلاف اموال شود کسی که از ثبت معاملات اندک خودداری می‌کند چه بسا از ثبت معاملات بیشتر و شرایط آن هم غافل می‌شود، بهتر است مردم برای ادای عادلانه حقوق و بستن راه بدینی و اختلاف، قوانین و روشهای را به کار بزند. مگر آنکه معامله‌ای نقدی باشد، که ما بین خودتان انجام می‌دهید، پس در نوشتن آن حرجی بر شما نیست. فعل نفعی «جناح» در آیه فوق، بیانگر آن است که در معاملات نقی نیز گاهی و چه بسا همیشه، ثبت آن بجا و مقدم می‌باشد و لیکن چون در معامله نقی کالاها، دین و ذمہ‌ای در میان نیست تا منشاً تضییع حق در آینده و بروز اختلاف شود، بر ترک نوشتن و ثبت آن گناهی نیست. کلمه «مضاره» که مصدر «لایضار» است به معنای ضرر زدن طرفینی است که هم در مورد دو نفر استعمال می‌شود، و هم در

نماید. چنین فردی نیز در عرف قرآن کاذب نامیده می‌شود: «آیا مردم تصور می‌کنند که وقتی بگویند ایمان آورده‌یم، رها می‌شوند و امتحان نمی‌شوند؟ ما گذشتگان آنان را امتحان کردیم تا خداوند راستگویان و دروغگویان را معلوم گرداند.» (سوره عنکبوت، آیه ۲۰۳) انسان‌های مورد نظر در این آیات با منافقان تقاوتش دارند؛ زیرا اهل نفاق از همان ابتدا به دروغ اظهار ایمان کرده، تنها قصد استهzaء دارند و خود نیز بر کذب و عدم ایمانشان به خدا و رسول واقفند. در حالی که، با توجه به سبب نزول آیه این افراد در ابتدا بدون هیچ غرض نادرستی به زبان اظهار ایمان نموده‌اند و اینکه باید دید آیا پس از مبتلا شدن به فتنه‌های دنیا باز هم بر ایمان خود باقی می‌مانند یا خیر؟ که در حالت اول، صادق و در حالت دوم، کاذب خواهند بود.

- سیاست جنایی مشارکتی نسبت به مفلس قلمداد نمودن خود به منظور فرار از ادای حق دیگری هر گاه به واسطه عدم اقدام به برخی مواد مشخصه در ثبت، ملکی به ثبت رسیده و بعد معلوم شود، عدم تعقیب یا عدم ابراز تصدیق به علت فوت یا جنون یا حجر طرف دعوی با مستدعی ثبت بوده و اخطار مذکور در ماده فوق هم با این که مستدعی ثبت به فوت یا جنون یا حجر عالم بوده، به عمل نیامده است، قائم مقام قانونی متوفی و یا مجنون و یا محجور می‌تواند در ظرف پنج سال از بابت قیمت ملک و اجر و خسارات در محکمه حقوق به وسیله عرض حال جدید بر علیه مستدعی ثبت اقامه دعوی نماید. مبدأ پنج سال مذکور فوق در مورد وراث کبیر و وراثی که ولی خاص (پدر یا جد پدری یا وصی منصوب مسلم الوصایة) دارند از تاریخ فوت و در غیر این موارد از تاریخ تعیین قیم یا مدیر تصفیه محسوب می‌شود. در مورد این ماده چنانچه مستدعی ثبت محکوم گردد و ملک را قبلاً به دیگری انتقال داده و در موقع اجرای حکم مفلس باشد و ثابت شود برای فرار از ادای حق طرف، خود را مفلس کرده به حبس تأدیبی از یکسال تا دو سال محکوم خواهد شد.^(۱۲) این عمل همان طور که گفته شد باید به صورت متقابله و خلاف واقع باشد. این بخش، مهمترین جزء رکن مادی حرم موضوع ماده ۴۵ قانون ثبت است. در این خصوص می‌توان گفت رویکرد سیاست مشارکتی دینی از منظر حق الناس یا همان حقوق مردم است که همگان موظف به مراتعات آن در قالب دیگران اند، دارای گونه‌ها و مصادیق مختلفی است که همه آنها در اسلام از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. از نظر احکام اسلام جان و مال و آبروی مسلمان حرمت دارد و هیچ کس حق ندارد به ناحق، آنها را مورد تعرض و تجاوز قرار دهد. بخشی از دستورات اسلام در این زمینه در آیات قرآن کریم تبلور یافته است که اکثر افراد مسلمان در جامعه اسلامی آنها را مورد توجه قرار دهند و به عمل درآورند، شاهد جامعه ای عاری از ظلم و تجاوز به حقوق دیگران و سروشار از امنیت و آسایش خواهیم بود و معنای روایت مشهور نبی که میرایماد «المسالمون سلم المسالمون من يَدِهِ و لِسَانِهِ»: مسلمان کسی است که دیگران از دست و زبانش در سلامت باشند^(۱۳) در جامعه تحقق عینی پیدا خواهد کرد. رعایت حقوق دیگران و عمل به احکام حقوقی اسلام در این زمینه اگرچه با توجه به تعریف حقوق و قوانین حقوقی، امری لازم و واجب است و ترک آن مستلزم عقوبات و مجازات؛ اما نتیجه این احکام و عمل به آنها در جامعه، نمود اخلاقی نیز دارد و میزان اخلاق مداری افراد بک جامعه را نشان میدهد. یا آنها این آمنو لا تاکلوا آموالکم بیکم^(۱۴) باین‌اطل الآن تكون تجارة عن تراض منکم (ای کسانی که ایمان آورده اند اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخوریدمگر آنکه جارتی باشد که از روی رضایت میان شما نجام یابد). (سوره نساء، آیه ۲۱) از این‌رو بیان اهمیت حقوق مردم در منابع اسلامی به منظور مراتعات هر چه بیشتر آنها در جامعه به رشد و توسعه اخلاقی آن جامعه هم کمک می‌نماید.

موضوع ماده یاد شده «تعهد یا معامله معارض» است که مراد و منظور از آن این است که کسی مالی را اعم از مقول با غیر مقول عیناً یا منفعتاً به دیگری انتقال و یا حقی در آن به دیگری بدهد و بعد نسبت به همان مال، معامله با تمهدی معارض با حق واگذار شده بنماید.^(۱۵) این جرم نیز از جمله جرائم مریوط به ثبت اسناد است و دارای ارکان سه گانه قانونی، مادی و معنوی بوده و مرتکبین مجازاتی دارند رکن مادی این جرم مرکب بوده و مشکل از اجزایی است. این اجزا عبارتند از: انجام دو عمل حقوقی پی در پی، تنظیم دو سند، انتقال حق، در تعارض قرار گرفتن اعمال حقوقی و اسناد تنظیمی و اعمال حقوقی انجام شده و استناد تنظیم گردیده باید راجع به مال شخص مرتکب باشد.^(۱۶)

جرائم معامله معارض ماهیتا با بسیاری از جرایم مالی از قبیل کلاهبرداری شباخت دارد. حقوق اسلامی احکام متعددی در خصوص کلاهبرداری و غیره تحت عنوان اکل مال به الباطل ذکر شده است هم چنان که در آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا اموالَهُمْ بِيَنْكُمْ بِالْبَاطِلِ» سوره نساء، آیه ۴۹ ذکر شده است اشاره به منع و تحریم استفاده اموال یکدیگر به طریق باطل و ناحق نموده و یا در حدیث نبی «نهی النبي عن الغرور لایحل امر مسلم الا به طیب نفسه» که دلالت و منع و تحریم تصاحب و ربودن مالغیر به ناحق و برخلاف میل و رضای صاحب آن دارد.

- سیاست جنایی مشارکتی نسبت به تصدیق خلاف واقع دادن تصدیقات خلاف واقع، یکی از موارد بارز خروج از جاده اعتدال و بی‌طرفی است. به همین خاطر، قانونگذار چنین عملی را طبق ماده ۱۰۳ قانون ثبت جرم دانسته و مُعطی تصدیق خلاف واقع را مجرم و مستوجب مجازات تشخیص داده است. رکن مادی از دو جزء، دادن تصدیق و خلاف واقع بودن تصدیق داده شده تشکیل گردیده است. تصدیق، در لغت به معنی باور کردن، به راست داشتن، به درستی چیزی اقرار کردن، مقابل تکذیب است.^(۱۷) دادن تصدیق یک اقام اعلمی و به تعییر حقوقی، فعل مثبت مادی است که عمدها به صورت مکتوب محقق می‌گردد. این عمل مثبت می‌تواند در قالب اعطای گواهی به درخواست شخص مقاضی یا در پاسخ استعلام و استفسار مقامات ذی ربط به منصبه ظهور برسد. با توجه به درج کلمه «عامداً» در متن ماده ۱۰۳، عمده بودن جرم مسلم و یقینی است. در این جرم، شخص باید بداند که عمل ارتکابی اش غیر مشروع است (سوء نیت عام) و با این عملش ممکن است به اشخاص یا اجتماع خسارت و ضرر و زیان اعم از مادی و معنی وارد آید (سوء نیت خاص). تذکر این نکته ضروری است که ذکر کلمه عامداً در ماده ۱۰۳ قانون ثبت مؤید این مطلب است که، رئیس محکمه رسیدگی کننده به جرم مذکور باید عدم مرتکب را اثبات نماید.^(۱۸)

در این خصوص می‌توان گفت رویکرد سیاست مشارکتی دینی از منظر تطابق یا عدم تطابق گفتار یک فرد با حقیقت و در نتیجه، اطلاق و صفت صادق یا کاذب به او، تنها موضوع بخشی از آیات مرتبط با صدق است، چرا که صدق مفهوم گسترده‌تری دارد، معنای صدق در اینجا، در ارتباط مستقیم با فاعل فعل و تحلیل نیست، بلکه چگونگی عملکرد است. بنابراین، این معنی از یک سو، در کنار مفاهیمی همچون: وفا، امانتداری، پایداری بر پیمان و اخلاص می‌باشد و از سوی دیگر، در تقابل با مفاهیمی نظری: نقض عهد، خیانت، فریب و نفاق قرار می‌گیرد. رای دستیابی به ویژگی هایی چون وفا، امانتداری و اخلاص، سخن حق گفتن و ادعایی مطابق با واقع نمودن، در ابتدای کار، شرط لازم است، اما کافی نیست. چه بسا ممکن است فردی به هنگام سوگند، در گفتار خود هم صادق به معنای اول باشد، یعنی بر مطلب حقی سوگند بخورد و هم اینکه به آن اعتقداد داشته باشد، اما به علت تراویح میان مشکلات یا وسوسه‌های شیاطین نتواند بر سوگند یا قول خود پایدار بماند و در نتیجه، عهد خود را بشکند، یا در امانت خیانت

ندارد و به تعبیری حس مسئولیت اجتماعی وجود نداشته باشد، صحبت از مشارکت مردم در سیاست جنایی امری بی نتیجه است. در تعالیم اسلامی، مکرر به مسئولیت اجتماعی انسان در قبال سرنوشت دیگران اشاره ئ تاکید شده است. در روایتی کل افراد جامعه را راع و مسئول خطاب کرده و آنان را دارای مسئولیت نسبت به همه مردم می داند: کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته. در سخنی از از امیر المؤمنین(ع) در نهج البلاغه آمده است «وَاتْقُوا اللَّهُ فِي عِبَادَهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْؤُلُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ وَالْبَيَانِ»؛ تقوی الهی را در خصوص بندگان خدا و بلاد او پیشه کنید، همانا شما در مقابل مکان ها و چهارپایان نیز مسئولیت دارید.» سخن از اصلاح ذات البیان، امر به معروف و نهی از منکر، نظارت همسایگان و دیگر آموزه های پیش گیرانه مبنی بر مشارکت عموم، در صورتی قابلیت اجرایی دارد که مبانی این مشارکت که از جمله آنها، پذیرش مسئولیت در مقابل دیگران است، در جامعه نهادینه و پذیرفته شده باشد.

یکی دیگر از جلوه ها و آموزه های دینی در بستر سیاست جنایی مشارکتی بحث ؛ حاکمیت فرهنگ محبت، برادری و عیب پوشی است. یکی از اساسی ترین مبنای هرگونه مشارکت مانند امر به معروف و نهی از منکر، نوع ولایت خاصی است که شریعت مقدس اسلام بین افراد اجتماعی به رسمیت شناخته است. در آموزه های اسلامی قبل از بیان امر به معروف و نهی از منکر، ولایت مومنان بر یکدیگر را بیان کرده، سپس این فرضیه را فرع بر آن دانسته است، برای مثال به این آیه شریفه از قرآن کریم اشاره می کنیم: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلَيَاءُ بَعْضٍ بِأَمْرِنَّ بالمعروف وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». مردان و زنان با ایمان ولی یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند.»(سوره توبه. آیه ۷۱). اسلام همه افراد مومن در جامعه اسلامی را برادر یکدیگر می خواند و در آیه «اَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اَخْوَهُ» به این امر تاکید و تصریح می کنند. (سوره حجرات. آیه ۱۰)

در صورت حاکم بودن فرهنگ برادری و محبت، هر کس فقط به دنبال اهداف و مطامع خود نیست، بلکه مشکلات دیگران را مشکلات خود و عیوب ایشان را عیوب خود دانسته و به دنبال رفع آن است. وقتی در جامعه به طور سازمان یافته محبت، برادری و پوشاندن عیوب دیگران به عنوان یک فرهنگ ترویج شود، مشارکت مردم در امر پیش گیری و کاستن آمار جرایم امکانپذیر می شود. مذهب یکی از عوامل موثر در ایجاد همگونی و هماهنگی فرهنگی است. علاوه بر تاثیر قابل توجهی که تعالیم دینی و اجرای دستورات الهی بر کاهش بزه کاری به طور مستقیم یا غیر مستقیم دارد، هماهنگی و همگونی که توسط دین و مکاتب دینی ایجاد می شود نیز عامل مهم پیش گیری از بزه کاری است.

- سیاست جنایی مشارکتی نسبت به جرایم ثبتی در حکم کلامبرداری

مقنن ایران بزه کلامبرداری را در زمرة جرائم تعزیری به شمار آورده است. همچنین جرم کلامبرداری از زمرة جرائم علیه اموال و مالکیت افراد به شمار می رود و تقسیمات شورای کشوری نیز بر این اساس می باشد، چرا که کلامبردار اصولاً با اقدامات و عملیات متقلبانه و با صحبته سازی میادرت به جلب رضایت افراد می نماید، تا در این جهت دیگران اموال خویش را در اختیار کلامبردار قرار دهند و غالباً نیز این امر با رضایت مال باختگان صورت می گیرد(۱۴) که این امر یکی از جهات افتراق کلامبرداری با سایر جرائم علیه اموال و مالکیت به شمار می رود، در سایر جرائم علیه اموال و مالکیت مانند سرفت، شخص مالباخته بدون رضایت و گاهماً با اجبار و آکراه مال خویش را از دست داده و مال در اختیار مالباخته قرار می گیرد، در حالی که همانطور که گفتیم با توجه به آنچه که گفته شد در کلامبرداری شخص مالباخته غالباً با رضایت و میل باطنی خویش و در اثر اغفال و فریب خوردن که ناشی از اقدامات و عملیات متقلبانه و صحبته سازی و مانورهای تقلیلی شخص کلامبردار می باشد میادرت به تسليم مال خویش می نماید. (۱۵) از منظر سیاست مشارکتی دینی، شارع مقدس اسلام این بزه را مذموم و تقبیح فرموده است و مصدق بارز آن؛ فرموده خداوند تبارک و تعالى در آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره است آنجا که می فرماید: مال یکدیگر را به ناحق مخورید و کار را به محاکمه قاضیان نیفکنید که بوسیله رشوه و زور پاره ای از مال مردم را بخورید با اینکه شما بطلان دعوای خود را می دانید. چنانکه می بینیم خداوند کریم در این آیه شریفه مومنین را از خوردن مال دیگران به ناحق برحدر داشته است. در فقه اسلامی از بزه کلامبرداری تحت عنوان احتیال و از کلامبردار به محتال نام برده است.

نتیجه گیری

هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه ی پیشگیری و پاسخ دهی به مجازات و باز پذیرسازی اجتماعی بزه کاران و در نتیجه جامعه ای سلامت محور است. بدون مبنای مسئولیت اجتماعی انسان، اعمال یک سیاست جنایی یا مشارکت مردم امکانپذیر نیست. به نظر می رسد آموزه های دینی با تاکید بر نهادینه کردن مسئولیت اجتماعی انسان در این حوزه راهگشا باشد. در روایات اسلامی مکرر به مواردی اشاره می شود که انسان ها تبعات اعمال سوء دیگران را متحمل می شوند، زیرا با سکوت خود، رفتار آن ها را تایید می کنند. تبعات ویرانی جامعه دامن گیر همه افراد به خصوص نسل های بعد خواهد شد برهمین اساس افراد نمی توانند با بی اعتنایی آن را به خود مرتبط ندانند. در جامعه ای که هر فرد فقط به خود و منافع شخصی خود انديشیده و به آینده و سرنوشت دیگران کاری

References

1. Rostami, Ahmad, (2007) "People's Participation in the Criminal Process (Investigation of Criminal Policy in Western Countries)", Law Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Science, No. 2, pp. 139-149.
2. Sankaran, P.N(2003) Participatory Justice and Human Rights, Chicago, Lippincott Company.
3. Saffari, Ali (2001) "Theoretical foundations of crime prevention", Journal of Legal Research, Nos. 33 and 34, pp. 123-135.
4. Jamshidi, Alireza (2011) Participatory Criminal Policy, Tehran: Volume.
5. Adenstein Sat (2004) A Journey in the Talmud, translated by Baqer Talebi Darabi, Tehran: First Edition of the Center for the Study and Research of Religions and Beliefs.
6. Soleimani Hossein (2005) Criminal Justice, in Judaism, Tehran: First, Center for Information and Research on Religions and Religions.
7. Hosseini, Seyed Mohammad (2004) Criminal Policy in Islam and in the Islamic Republic of Iran, Tehran: Samat.
8. Mohammadi, Seyed Jalil (2009) Registration Crimes, Tehran, Tehran: Companion.
9. Hajiani, Ali (2005) Registration Crimes, Tehran: Start Publishing.
10. Eskafi, Nader (2003) Registration Culture, Tehran: Justice.
11. Hamidi Vaqef, Ahmad Ali (2005) Registration Law, Tehran: Lawyer.
12. Jafari Langrudi, Mohammad Jafar (1999) Registration Law, Tehran: Ganj-e-Danesh.
13. Tavassoli, Ali (2010) Penalties for protection of registration rights, Tehran: Dadgostar Publications.
14. Reza Panah, Mohsen (2013) Critique of Registration Crimes, Tehran, Jangal Publications.
15. Adabi, Hamid Reza (2009) Specialized Registration Law, Tehran: Jangal Publications.